



# دوران تبعید امام خمینی (ره) در ترکیه

عبدالرضا آقایی، دبیر تاریخ، ازنا  
ژوئیه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## مقدمه

تاریخ نهضت اسلامی به حساب می‌آید. بنابراین، در این مقاله سعی شده است، دوران تبعید امام در ترکیه مورد بررسی قرار بگیرد.

## تصویب کابینولاسیون

«کابینولاسیون به قراردادهایی اطلاق می‌شود که به موجب آن‌ها، شهروندان یک دولت در قلمرو دولت دیگر، از نظر امور حقوقی و کیفری تابع قانون‌های کشور خود هستند و آن قانون‌ها را کنسول آن دولت در محل اجرا می‌کند. از این رو، آن را در فارسی حق قضاوت کنسولی نیز گفته‌اند» [اشوری، ۱۳۸۰: ۲۷۶]. وزارت دفاع آمریکا مدت‌ها بود که ایران را برای بستن چنین قراردادی تحت فشار گذاشته بود.

آیت‌الله محمد علی گرامی می‌گوید: «فرزند یکی از علمای ادیب قم (شیخ جواد عراقی) که از کارمندان مجلس شورای ملی به

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به علل و عوامل متعددی وابسته بود. اما سه علت اصلی که مورد تأکید محققان است، در این زمینه بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. نخست باورهای دینی و اعتقادات اسلامی مردم ایران، دوم وحدت مردم و مبارزات سیاسی آن‌ها، و سوم رهبری قاطع و بی‌نظیر امام خمینی (ره). این سه عامل پس از آن که در کنار یکدیگر قرار گرفتند و یک مثلث را تشکیل دادند، به نیروی قدرتمندی تبدیل شدند که رژیم پهلوی را سرنگون ساخت. بررسی جنبه‌های متفاوت این سه عامل، ماهیت واقعی و عناصر تشکیل دهنده‌ی جنبش اسلامی مردم ایران را روشن خواهد ساخت.

از میان سه عامل فوق رهبری امام خمینی (ره) تأثیر فوق‌العاده‌ای در به ثمر رسیدن مبارزات مردم مسلمان ایران، علیه دستگاه پهلوی ایفا کرد. فاصله‌ی زمانی ۱۳ آبان ۱۳۴۳ تا خروج امام از ترکیه، یکی از فصول مهم

حساب می‌آمد، اخبار تصویب لایحه‌ی کاپیتولاسیون را به حضرت امام داده بود. **آیت الله مسعودی خمینی** می‌گوید: «من یقین دارم که اخبار مربوط به کاپیتولاسیون را برادر کوچک امام، **سید نورالدین هندی**، به ایشان گفته است. سید نورالدین که از سران و رجال سیاسی بود و با سناتورها و رجال سیاسی تماس داشت، چنین اخباری را از طریق **آیت الله پستندیده** به امام رسانده است» [فدائی، ۱۳۷۹: ۱۶۳].

**آقای هاشمی رفسنجانی** در خاطرات خود می‌گوید: «با خبر شدیم که در مجلس رژیم لایحه‌ای در مسیر تصویب است که در آن به مستشاران آمریکایی امتیازاتی داده می‌شود. در پی‌گیری این خبر، زمینه‌ی جدیدی فراهم شد برای مبارزه‌ی امام. امام چند نفری را مأمور تحقیق در مورد جزئیات این خبر کرد که یکی از آن‌ها من بودم. **آقای بهبهانی** از طریق یکی از نمایندگان مجلس سنا، متن لایحه و اسناد مربوط را به دست آورده و به من داد.»

**آیت الله پستندیده** می‌گوید: «جریان تبعید امام به ترکیه در سال ۱۳۴۳ با جریان لایحه‌ی مصونیت آمریکایی‌ها تحت عنوان کاپیتولاسیون که در دولت تصویب شد و بعد لایحه‌ی آن را محرمانه به مجلس دادند و در مجلس شورای ملی و مجلس سنا تصویب کردند، آغاز شد» [پستندیده، ۱۳۸۴: ۲۳۹].



البته باید توجه داشت که تصویب کاپیتولاسیون محرمانه نبود و مشروح مذاکرات آن در روزنامه‌ی رسمی که متن کامل جلسات علنی مجلس را درج می‌کرد، چاپ شده بود. اما تیراژ این نشریه محدود و جواب‌گوی نیاز متقاضیان نبود.

**محمد حسن رجبی** در کتاب خود می‌نویسد: «امام چند روز پس از تصویب لایحه‌ی کاپیتولاسیون برای نظامیان آمریکایی در مجلس شورای ملی (۲۱ مهر ۱۳۴۳) از ماجرا اطلاع یافت؛ البته توسط یکی از کارکنان مجلس که دوست امام بود. امام با مطالعه‌ی متن صورت مذاکرات مجلس از جزئیات آن آگاه شد. ایشان بلافاصله مراجع و علمای قم را به تشکیل جلسه‌ی هفتگی فراخواند و با ارسال پیام، علمای سایر شهرها را در جریان امر قرار داد» [رجبی، ۱۳۷۸: ۳۳۱].

سیس امام اعلام کرد که در ۴ آبان، مصادف با ۲۰ جمادی الثانی، در منزل خود سخن‌رانی خواهد کرد. رژیم بیکی به قم فرستاد تا با امام خمینی دیدار کند و ایشان را از تصمیم خود منصرف کند، ولی امام حاضر به دیدار نشد و به ناچار با فرزند امام، **حاج مصطفی ملاقات** کرد و به او گفت که اگر می‌خواهد صحبت کند، مواظب باشد علیه آمریکا سخن نگوید و هر چه بگوید چندان مهم نیست (حتی حمله به شخص شاه).

بنابراین، تصویب کاپیتولاسیون در ۲۱ مهر ماه ۱۳۴۳ بود و سخن‌رانی امام در چهارم آبان که مصادف با ولادت حضرت **فاطمه** (س) انجام گرفت. «بنا به گفته‌ی افراد، امام در این مدت با حالت نگران در درس حاضر می‌شد» [فدائی، ۱۳۷۹: ۱۶۳].

محل سخن‌رانی امام در خانه‌ی خودشان بود، علت آن **آیت الله طاهری خرم‌آبادی** این‌گونه بیان می‌کند: «امام تصمیم گرفتند که روز میلاد حضرت زهرا (س) صحبت کنند و این صحبت هم قرار بود که در منزل انجام بگیرد. دلیلش را من الان نمی‌دانم، شاید از نظر جنبه‌های امنیتی بوده است. اگر امام می‌خواست سر درس صحبت کند، جمعیت زیادی جمع نمی‌شدند و جمعیت منحصر می‌شد به طلبه‌هایی که در درس امام شرکت می‌کردند. در حالی که امام می‌خواست همه در این سخن‌رانی شرکت کنند. اگر امام می‌خواست این سخن‌رانی را در مسجد اعظم ایراد کند، شاید دولت ممانعت می‌کرد. به نظر می‌رسد که امام در مورد محل و زمان سخن‌رانی بهترین انتخاب را کرد. روز تولد شاه بهترین زمان بود، زیرا رژیم می‌کوشید با برگزاری جشن چهارم آبان ماه این توطئه را به دست فراموشی بسپارد، اما امام سخن‌رانی خود را در همان روز اعلام کرد» [طاهری خرم‌آبادی، ۱۳۷۷: ۳۱۲-۳۱۱].

امام سخن‌رانی خود را با نام خدا و آیه‌ی «استرجاع» شروع کرد که نشان دهنده‌ی وارد شدن مصیبت بزرگی بر اسلام و مسلمین بود. تاثر قلبی خود را از این مصیبت بیان و اعلام عزای عمومی کرد. سیس به شرح لایحه‌ی کاپیتولاسیون پرداخت و نتایج سیاسی - اجتماعی آن را بیان داشت. هم‌چنین در مورد بدبختی مردم و قروض خارجی دولت و وابستگی به آمریکا سخن گفت. «بس از این سخن‌رانی، امام

اعلامیه‌ای منتشر کرد و اقدام دولت و مجلس را در تصویب کاپیتولاسیون محکوم نمود و آن را سند بردگی ملت ایران، اقرار به مستعمره بودن ایران و ننگین‌ترین و موهن‌ترین تصویب‌نامه‌ی غلط دولت‌های بی‌حیثیت نامید» | امام خمینی، ۱۳۶۱: ج ۱، ص ۱۴۵-۱۳۹.

**شهید محلاتی** در خاطرات خود می‌گوید: «پس از این سخن‌رانی خدمت امام رفتم. ایشان فرمود: راحت شدم. من تکلیفم را انجام دادم. حالا هر چه می‌خواهد پیش آید. آن چه مهم است، انجام وظیفه است و عمل به تکلیف شرعی.»  
«در اسناد ساواک سندی است که در آن، امام به مراجع نجف پیغام‌هایی فرستاده و آنان را در جریان مسائل ایران و تصویب لایحه‌ی مصونیت مستشاران آمریکایی قرار داده بود. هم چنین، بر اساس سند ساواک، نوار سخن‌رانی امام از رادیو بغداد نیز پخش شده است.» | سیر مبارزات...، ۱۳۸۶، ج ۴: ۹۲.

## حدیث بیداری



زندگی‌نامه‌آزمایی - علمی و سیاسی امام خمینی  
(از تولد تا رحلت)  
محمد انصاری

۴. شکست نهضت اسلامی. «علت‌های انتخاب کشور ترکیه به‌عنوان محل تبعید عبارت بود از: غیرمذهبی و لائیک بودن کشور ترکیه، منافع مشترک ایران و ترکیه و دیگر اعمال نفوذ آمریکا در هر دو کشور» | افلاحی، ۱۳۸۵: ۱۱۵.

درخصوص نقش و دخالت دولت آمریکا در تبعید امام سندی وجود دارد که خرسندی یکی از اعضای سفارت آمریکا را نشان می‌دهد. در نامه‌ای از **استوارت راکول**، وزیر مختار و رایزن سفارت آمریکا، دو روز پس از تبعید امام، به فردی به نام **جیمز** آمده است: «وقایع اخیر که شما از گزارش رسمی به ماوقع آگاه خواهید شد، دل مرا خوش کرده است. بالاخره ما توانستیم از سوءرفتار پیرمردی که با سخن خود چوب در میان چرخ‌های ما می‌گذاشت، خلاص شویم. کله‌گنده‌ی محلی (شاه) دستور اخراج او را صادر کرد. در حال حاضر وی در یک مهمان‌خانه‌ی درجه‌ی دو در ترکیه زندگی می‌کند و می‌کوشد تا سنی‌های بیچاره را اغوا کند» | سیر مبارزات...، ۱۳۸۶، ج ۴: ۱۰۵.

### چگونگی تبعید امام به ترکیه

«شب ۱۳ آبان ۱۳۴۳، صدها کماندو و چترباز مسلح، خانه‌ی امام را در قم محاصره کردند و از بام و دیوار وارد خانه‌ی امام شدند. برای پیدا کردن امام به جست‌وجو و ضرب و شتم خادم امام پرداختند. امام که در آن ساعت در یکی از اتاق‌های اندرونی به نماز و دعا مشغول بود، با سروصدای به‌وجود آمده فهمید که سربازهای رژیم به منزل یورش برده‌اند. امام که در آن لحظه نمی‌دانست کلید اندرونی را کجا گذاشته است، از در دیگر اندرونی که به کوچه باز می‌شد، خارج شد. وقت بیرون رفتن مهر و امضای خود را به رسم امانت به همسرش داد و فرمود: شما را به خدا می‌سیارم.

امام را از خانه سوار ماشین فولکس و سپس سرکوجه سوار ماشین شورت کردند و به سمت تهران بردند. بین راه قم به تهران، حضرت امام اعلام می‌کند که می‌خواهد نماز بخواند. بنابراین نماز صبح را در صحرا خواندند. هنوز آفتاب روز ۱۳ آبان ۱۳۴۳ از افق بیرون نیامده بود که امام سوار هواپیما شد. سرهنگ **افضلی** نیز همراه امام بود و هواپیما ساعت ۱۱/۳۰ دقیقه در فرودگاه انکارا به زمین نشست. امام خمینی هنگام تبعید به ترکیه به افسر مأمور در هواپیما گفت: من برای دفاع از وطنم تبعید شدم» | روحانی، ۱۳۸۱: ۷۹۲.

در هواپیما یکی از خدمتکاران برای امام چای آورد که امام بعد از مطمئن شدن از مسلمان بودن او، چای را نوشید. سپس به پیشنهاد سرهنگ **افضلی**، برای دیدن قسمت‌های متفاوت هواپیما و کابین خلبان

اعلامیه و سخن‌رانی امام بازتاب‌های متفاوتی داشت: برخی از علما اقدام مجلس را شرح دادند و عواقب آن را اعلام کردند که ساواک آن‌ها را بلافاصله دستگیر کرد. هم‌چنین، جمعی از علمای قم، از جمله آقایان **شریعت‌مداری، حائری، سید صادق، سید ابوالقاسم روحانی و زاهدی**، در این خصوص با ایراد سخن‌رانی، واگذاری این امتیاز سیاسی به دولت بیگانه را محکوم کردند.

مهم این بود که با وجود هشدار امام در مورد کاپیتولاسیون، تا نه روز پس از سخن‌رانی ایشان، هیچ یک از مراجع و علمای بزرگ ایران و عراق اعلامیه‌ای در محکومیت کاپیتولاسیون و حمایت از ایشان صادر نکردند. این سکوت علما و مراجع نشان دهنده‌ی این بود که آن‌ها تمایلی به درگیری و رویارویی با رژیم شاه ندارند. زیرا دولت جدید شعار سازش و تفاهم با روحانیت را به کار برده بود. دیگر این که شاید عواقب کاپیتولاسیون و بُعد ضددینی و ملی آن (برخلاف انجمن‌های ایالتی و ولایتی)، برای علما و مردم روشن نبود، لذا چندان واکنشی نشان ندادند.

به هر روی، امام پس از سکوت و بی‌تفاوتی اکثر قریب به اتفاق مراجع و علما، دریافت که کوله‌بار مبارزه با رژیم را خود باید یک تنه بر دوش بکشد، هم‌چنین، باید گفته شود که دولت آمریکا بلافاصله پس از تصویب کاپیتولاسیون، ۲۰۰ میلیون دلار وام برای خرید اسلحه و تجهیزات از آمریکا به ایران داد.

بعد از سخن‌رانی امام این بار رژیم تصمیم گرفت او را به ترکیه تبعید کند. هدف رژیم از تبعید امام عبارت بود از: ۱. جدایی میان رهبری و مردم، ۲. تضعیف روحیه‌ی رهبری، ۳. فراموش شدن رهبر،

رفتند و تا فرودگاه آنکارا، امام در کابین خلبان نشست. امام از وسایل و لوازم هواپیما دیدن کرد و درباره‌ی دستگاه‌های مربوطه و نحوه‌ی عمل آن‌ها پرسید. این برخورد و رفتار امام مربوط به روحیه‌ی انقلابی و از خصایل ارزنده‌ی رهبری بود و رمز موفقیت ایشان در ادامه‌ی نهضت نیز در همین نکته نهفته است.

حاج آقا مصطفی خمینی، فرزند بزرگ امام، هنگام دستگیری امام برای مذاکره با مراجع روانه‌ی منزل آن‌ها شده بود. در منزل **آیت‌الله مرعشی نجفی**، مأمورین ساواک از دیوار بالا آمدند و ایشان را دستگیر کردند و از شهربانی قم به زندان قزل‌قلعه تحویل دادند. وی ۵۷ روز

زندانی بود و پس از آن در ۸ دی ۱۳۴۳ از زندان آزاد شد. برای بار دوم به او اعلام کردند به ترکیه برود و با پدرش ملاقات کند. هدف آن‌ها این بود که حاج آقا مصطفی در ایران نباشد و به بهانه‌ی ملاقات با پدر، او را هم تبعید کنند. بنابراین حاج مصطفی خمینی را دستگیر و به ترکیه فرستادند. یورش ناگهانی ساواکی‌ها به منزل امام برای دستگیری حاج مصطفی سبب ترس و وحشت همسر او شد که با سقط جنین و کسالت همراه بود.

### امام در ترکیه

«بعد از ورود امام به ترکیه، مأموران امنیتی دولت ترکیه امام را از فرودگاه به هتل بلوار پالاس، طبقه‌ی چهارم، اتاق شماره‌ی ۵۱۴ که قبلاً آماده کرده بودند، بردند. چون هتل محل اقامت امام در مرکز شهر بود و خبرنگاران داخلی و خارجی کنجکاو شده بودند، مأموران امام را به یکی از ساختمان‌های فرعی خیابان آتاتورک منتقل کردند. امام بعد از ورود به ترکیه به آموختن زبان ترکی پرداخت. توجه و کوشش او برای یادگیری زبان ترکی به حدی بود که سرهنگ افضلی را به وحشت انداخت که مبادا با آموختن زبان بتواند با مردم ترک ارتباط برقرار کند و مبارزه را در تبعیدگاه ادامه دهد. از این رو در گزارشی به تهران نوشت: «نباید وی را تنها گذاشت» [روحانی، ۱۳۸۱: ۷۹۲].

رژیم‌های ترکیه و ایران، از امام وحشت داشتند، و مرتب محل اقامت او را تغییر می‌دادند. حتی مقامات ساواک به مأمورین ترکیه اعتماد نکردند و خود نیز برای او مأمور ویژه گماشتند. نگرانی مقامات ایران و ترکیه زمانی بیشتر شد که دیدند، امام خمینی حاضر نیست در محل تبعید به صورت زندانی باشد و مرتب پیشنهاد بیرون رفتن و بازدید از خیابان‌ها و مراکز دیدنی شهر را می‌دهد.

روز ۱۶ آبان، امام حدود ۴۰ دقیقه با اتومبیل از شهر آنکارا دیدن کرد. او می‌خواست دوران تبعید را بدون نتیجه از دست ندهد و در مورد افراد و کشور ترکیه تجربه کسب کند. حتی بر مزار ۴۰ تن از عالمان شهید که به دست آتاتورک کشته شده بودند، حضور یافت. ساواک از

بازدید امام از نقاط متفاوت شهر جلوگیری کرد و حتی به بهانه‌ی این که پوشیدن لباس روحانیون ایران در ترکیه ممنوع است، می‌خواستند امام را خلع لباس کنند. علی‌رغم مخالفت امام، مأموران امام را از پوشیدن لباس خود منع کردند و او را مجبور کردند که لباس روحانیون ترکیه را بر تن کند. البته زمانی که علمایی از ایران برای دیدن امام به ترکیه می‌رفتند، به امام اجازه می‌دادند که لباس خود را بر تن کند. این رفتار نه تنها نتوانست روح امام را درهم بشکند، بلکه باعث بردباری و ایستادگی و مقاومت امام خمینی شد.

سپس در ۲۱ آبان امام به شهر «بورسا» در ۴۶۰ کیلومتری غرب آنکارا و در کنار دریای مرمره



منتقل کردند.

علت فرستادن ایشان به بورسا این بود که پخش خبر تبعید از رادیو و انعکاس آن بین مردم، باعث وحشت مقامات ترکیه شده بود و می‌خواستند تا به این وسیله از ارتباط مردم ترکیه با امام جلوگیری کنند. در این مدت اهداف مأمورین هر دو کشور این بود که: ۱. موضوع تبعید امام به ترکیه و محل اقامت ایشان مخفی بماند؛ ۲. از ارتباط امام با مردم ترکیه جلوگیری شود؛ ۳. با ایجاد محدودیت برای امام، ایشان را تحت فشارهای روحی قرار دهند. اما روحیه‌ی امام در دوران تبعید بسیار عالی بوده است؛ «مأمورین ساواک در گزارش‌های خود اعلام کردند: روحیه‌ی شخص مورد نظر نسبت به روز اول بهتر است. در محل جدید برنامه‌ی روزانه‌اش بیشتر استراحت، تلاوت قرآن، آدای نماز و صرف غذاست. گاه‌گاهی هم کلمات ترکی را یادداشت می‌کند» [افلاحي، ۱۳۸۵: ۷۲].

امام بعد از رسیدن به ترکیه تلگرافی به حاج مصطفی خمینی زد و در این تلگراف، سلامتی خود را به خانواده خبر داد و او را سفارش به احترام به مادر، خواهر، برادران و بستگان کرد. هم‌چنین خواست که وسایل شخصی‌اش را بفرستند؛ از جمله کتاب‌هایی مثل مفاتیح، صحیفه‌ی سجاده، مکاسب و حواشی. امام به خانواده‌اش توصیه می‌کند که به ترکیه نیابند، زیرا رژیم می‌خواست با آوردن خانواده‌ی امام به ترکیه، او را برای همیشه از ملت و کشورش دور کند. حتی امام سفارش می‌کند که شهریه‌ها را بپردازند. نگرانی امام در مورد سوخت زمستانی فقرا نیز قابل توجه است.

باید توجه داشت که امام قرآن نخواست، زیرا قرآن به همراه خود داشت. چنانچه از درخواست‌های امام مشخص است، کتاب مفاتیح و صحیفه‌ی سجاده می‌خواست؛ زیرا به اسلام با تمام ابعادش اعتقاد داشت. او در صحنه‌ی سیاست، مرد سیاست و در میدان رزم مرد جنگ و در مسجد مرد عبادت بود. امام مانند عالمان بزرگ همواره با کتب دعائیس داشت. انگیزه‌ی امام از درخواست کتب فقهی و پافشاری روی آن‌ها مبتنی بر رسالتی بود که در جهت تحول و دگرگونی رساله‌های عملیه و خط فکری حوزه‌های

علمیه در تدوین و نگارش رساله بر دوش داشت و به انجام آن اهمیت می‌داد ایشان دوران تبعید را بهترین زمان برای انجام این مهم می‌دانست. امام خمینی از ترکیه و کالت‌نامه‌ای برای حاج مصطفی خمینی فرستاد که بیان‌کننده‌ی اعتماد و اطمینان او به فرزندش بود. امام با این کار از ایجاد تزلزل در مجامع روحانی پیشگیری کرد. این نیز نوعی مبارزه در تبعیدگاه بود.

### بازتاب تبعید امام در داخل کشور

«رژیم پهلوی پس از تبعید امام خمینی، از آن‌جا که از تکرار قیام ۱۵ خرداد و واکنش خشنوت‌بار ملت مسلمان ایران در برابر تبعید امام وحشت داشت، بی‌درنگ به نیروهای نظامی و انتظامی به منظور سرکوبی هر گونه حرکت مخالف، فرمان آماده‌باش داد. رییس ساواک، تیمسار **پاکروان**، طی تلگرافی رمزی به کلیه‌ی شعبه‌های ساواک در سراسر کشور دستور داد، مراقبت کامل داشته باشند، از هر تحرک و مخالفتی جلوگیری کنند و هر گونه رویدادی را فوراً به مرکز گزارش دهند»<sup>۱۱</sup> [روحانی، ۱۳۸۱: ۷۹۲].

برخی مبارزات داخل کشور عبارت بودند از:

۱. فعالیت حاج‌آقا مصطفی خمینی علیه رژیم پهلوی (قبل از تبعید به ترکیه).
۲. فعالیت‌های علمای تراز اول. اولین فرد بین‌علماء، **آیت‌الله میلانی** بود که سکوت حاکم بر فضای حوزه‌های علمیه را شکست.
۳. واکنش بازار. بازاربانان که پیوندهای دیرینه‌ای با روحانیت دارند؛ در حرکت اصلاحی و انقلاب در ایران از زمان مشروطیت نقش مؤثری بر عهده داشتند و در نهضت امام خمینی یکی از ارکان مبارزه بودند. زیرا تعطیلی بازار، هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ تبلیغی، برای رژیم گران تمام می‌شد.
۴. بهره‌گیری از مراسم و شعائر مذهبی (مثل دعای ندبه، دعای توسل و...) که در این مراسم‌ها از امام خمینی یاد می‌شد.
۵. تعطیلی نمازجماعت توسط روحانیون.
۶. نوشتن و چاپ و تکثیر اعلامیه علیه رژیم پهلوی.
۷. تهیه‌ی طومارهایی که برای دولت و سفارت ترکیه ارسال می‌شدند تا آن‌ها تحت فشار قرار گیرند و به تبعید امام خمینی پایان دهند.
۸. برگزاری میتینگ. یکی از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین این تجمعات، میتینگ مسجد **سیدعزیزالله** بود که در ۲۱ آذر ۱۳۴۳ به کوشش جمعیت مؤتلفه برگزار شد. این اجتماع بزرگ‌ترین گردهمایی و اجتماع بعد از تبعید امام خمینی بود.
۹. سرودن شعر، چاپ کتاب کشف‌الاسرار، چاپ و توزیع توضیح‌المسائل امام خمینی و پخش کارت تبریک منقوش به عکس امام.
۱۰. مراجعه‌ی علما و طلبه‌های حوزه‌ی علمیه قم به علمای تراز اول و تحت فشار قرار دادن آن‌ها تا برای آزادی امام اقداماتی انجام دهند.

۱۱. حرکت‌های مسلحانه. مهم‌ترین اقدام هیئت‌های مؤتلفه، ترور [اعدام انقلابی] **حسنعلی منصور** بود. منصور بانی تصویب کابینتولاسیون و تبعید امام محسوب می‌شد که توسط **محمد بخارایی** ترور شد [فلاحی، ۱۳۸۵: ۱۱۵].



### بازتاب تبعید امام در خارج از کشور

تبعید امام بازتاب گسترده‌ای در سطح جهان داشت. خیرگزاری‌ها و رسانه‌های گروهی، احزاب و شخصیت‌های بین‌المللی، هریک طبق خط و برنامه‌ریزی خود از آن برداشت کردند و تفسیرهای متفاوتی ارائه دادند. مطبوعات وابسته به غرب تا آن‌جا که توانستند علیه امام سخن گفتند، در حالی که مطبوعات وابسته به بلوک شرق از آن‌جا که امام حرکت قهرآمیزی را علیه آمریکا و احیای کابینتولاسیون آغاز کرده بود، تا حدی جانب حق را رعایت کردند.

دانشجویان ایرانی خارج از کشور نیز با تهیه‌ی طومار و فرستادن آن به سفارت ترکیه، موضوع تبعید امام را بی‌گیری می‌کردند.

### دیدار نمایندگان علمای تهران با امام

بعد از تبعید امام به ترکیه، علمای تراز اول قم و تهران به این نتیجه رسیدند که از محل تبعید امام اطلاعاتی کسب کنند و وسایل آسایش را تا آن‌جا که ممکن است، برای امام فراهم کنند. بنابراین روز پنج‌شنبه ۲۱ آبان ۱۳۴۳، آقایان **حاج میرزا احمد آشتیانی**، **حاج سیداحمد خوانساری**، **حاج شیخ حسین تنگابنی**، در منزل آقای آشتیانی نشست تشکیل دادند و وزیر دربار، آقای **قدس نخعی** بنابه دعوت آقایان در این نشست شرکت کرد. علما اعلام کردند که آقای پسندیده (برادر امام) به ترکیه برود و از وضعیت امام اطلاعاتی کسب کند.

وزیر دربار گفت که پس از گفت‌وگو با مقامات بالاتر نتیجه به حضور آقایان ابلاغ خواهد شد. این سیاست علمای تهران تا حدودی موافق نظر شاه نیز بود، زیرا این کار باعث می‌شد، موجبات آرامش خاطر و رفع نگرانی ملت ایران فراهم شود. رژیم با پیشنهاد علما موافقت کرد، ولی آقای پسندیده را مناسب این کار نمی‌دانست؛ زیرا ممکن بود امام به وسیله‌ی او پیامی را به ایران بفرستد و پیام‌هایی از ایران دریافت کند. بعد از آن، علمای تهران **حاج سیدفضل‌الله خوانساری** را پیشنهاد کردند که مورد پذیرش قرار گرفت و قرار شد ساواک وسایل سفر او را فراهم کند.

رژیم پهلوی برای این که نماینده‌ی علما امام را در بورس ملاقات نکند، محل اقامت و ملاقات با امام را استانبول قرار داد و قرار شد که ملاقات با امام تحت مراقبت شدید مأمورین انجام شود. سیدفضل‌الله خوانساری روز ۲۹ آذر ۱۳۴۳ وارد استانبول شد و در «پارک هتل» اسکان یافت. فردای آن روز ۳۰ آذرماه به دیدار امام رفت که او را به استانبول آورده بودند.

در چندین جلسه، بین آقای خوانساری و امام گفت‌وگو صورت گرفت و یکی از مأمورین ساواک که در جلسه‌ی ملاقات حضور داشت، گفت‌وگوها را ثبت می‌کرد. آن چه در این گفت‌وگوها درخور توجه بود، زبان دیپلماتی و تاکتیک‌های سیاسی بود که امام به کار می‌برد. مثلاً، امام در گفت‌وگو به مأموران ترکیه اشاره و طوری صحبت می‌کرد که گویا مأمورین ترکیه با او کنار آمده و به تفاهم رسیده‌اند. حتی گفت‌وگوی امام در مورد رفتار خوب مأمورین ترکیه باعث نگرانی مقامات ایرانی شده بود.

بعد از مدتی که رژیم، حاج مصطفی خمینی را به ترکیه تبعید کرد، و وی به ملاقات امام رفت، به وضع نامناسب امام پی برد. حاج مصطفی می‌گوید: آن گاه که به حضور امام رسیدم، از نظر غذایی، وضع او به حدی بود که اگر دیرتر می‌رسیدم، امام مریض می‌شد. هر خوراکی که برای او می‌آوردند، بدون آن که خم به ابرو بیاورد، می‌خورد و براساس ویژگی‌های اخلاقی‌اش، هرگز خوراک مورد علاقه‌ی خود را طلب نمی‌کرد، با توجه به شرایط سنی و تفاوت آب و هوا معلوم بوده که بر امام چه می‌گذشته است.

در ملاقات بعدی، نمایندگان آقای گلپایگانی، یعنی آقایان شیخ محمدعلی صفایی و سید مهدی گلپایگانی در تاریخ ۲۲ خردادماه ۱۳۴۴ به استانبول عزیمت کردند. در زمان ملاقات، امام لباس روحانیون ترکیه را بر تن داشت و وضع ایشان طوری بود که آقای صفایی به گریه افتاد. قبل از تبعید امام به عراق نیز، آقای حاج شیخ عبدالجلیل جلیلی کرمانشاهی، یکی از روحانیون سرشناس کرمانشاه، برای ملاقات با امام به استانبول رفت.

### اقدامات مهم امام در ترکیه

«روش‌های امام در مبارزه با رژیم در این دوران عبارت بودند از:

#### الف) نوشتن نامه به ایران: هدف امام از

نوشتن نامه به ایران این بود که:

۱. ارتباط خود را با داخل کشور حفظ کند و رهبری نهضت را ادامه دهد.
۲. اوضاع تبعیدگاه را علی‌رغم فشار و محدودیت، خوب توصیف کند تا تزلزلی در روحیه‌ی خانواده و مبارزان به وجود نیاید و آن‌ها برای آزادی ایشان به رژیم متوسل نشوند.
۳. امام در نامه‌های خود خواستار کتاب‌هایی چون مکاسب می‌شد. قصد داشت با نوشتن حواشی بر کتب فقهی، احکام عبادی اسلام را در کنار مسائل سیاسی بیان کند و به ابعاد سیاسی اسلام بپردازد.

#### ب) نگارش کتاب تحریر الوسیله: امام

خمینی دریافت که جامعه‌ی آرمانی طرح شده در «کشف‌الاسرار»، در چارچوب سازوکارهای متعارف

دست‌یافتنی نیست و نمی‌توان با مشی مسالمت‌آمیز، جامعه‌ای دینی عاری از استبداد و فساد را محقق ساخت. در عین حال، مبارزه بدون راهبرد روشن نتیجه‌ای جز به مخاطره افکندن بنیان و ثمره‌ی مبارزات در پی نخواهد داشت. امام در این کتاب به اسلام به عنوان دینی کاملاً سیاسی نگریست و هر گونه تفکیک میان دین و سیاست را مردود شمرد. این اقدام امام بهترین کاری بود که در این دوره‌ی ۱۱ ماهه انجام داد؛ چون ترکیه مرکز رواج جدایی دین از سیاست بود. امام وقتی به نجف آمد، کتاب را تکمیل و چاپ کرد. پس از آن، سایر علما به امام اقتدا کردند و در رساله‌ی خویش مسائل سیاسی را در کنار مسائل عبادی مطرح کردند [فلاحی: ۱۳۸۵: ص ۱۲۰ سند شماره‌ی ۸۲۷-۸۲۶].

اهداف امام در نگارش کتاب تحریر الوسیله عبارت‌اند از: ۱. مبارزه با تفکیک دین از سیاست؛ ۲. اصلاح حوزه‌های علمیه و خارج کردن آن‌ها از رکود و سستی؛ ۳. مطرح کردن اندیشه‌ی تشکیل یک حکومت دینی.

بنابراین، امام خمینی بهترین نمونه‌ی برنامه‌ریزی در دوران تبعید و زندانی است. در دوره‌ی تقریباً یک‌ساله‌ی تبعید به ترکیه کتاب تحریر الوسیله را نوشت و در دوران تبعید در عراق، طرح بنیادی ولایت فقیه و حکومت اسلامی را مطرح کرد [فلاحی، ۱۳۸۵: ۱۱۵].

### دلایل تغییر محل تبعید امام از ترکیه به عراق

در بعد داخلی، مخالفت‌های زیادی با تبعید امام شد؛ مانند ترور اعدام انقلابی | حسنعلی منصور و سوءقصد به جان شاه. در سال ۱۳۴۴، اعضای حزب ملل اسلامی دستگیر شدند. این‌ها نشان می‌دهند که تبعید امام باعث تشدید مبارزات شد. در بعد خارجی نیز مخالفت‌های زیادی انجام گرفت. حتی نمایندگان علوی (نیروهای اسلامی) در مجلس ترکیه نیز به تبعید امام اعتراض کردند.

در نتیجه‌ی این اقدامات، ترکیه و ایران تحت فشارهای داخلی و خارجی قرار گرفتند و دولت ترکیه متوجه شد، امام شخصیتی بانفوذ و مورد احترام در میان مردم ایران و خارج از کشور است. از طرف دیگر، دولت ترکیه نسبت به عواقب این اقدام خود بیمناک بود و هرگونه اتفاقی برای امام، عواقب وخیمی برای آن کشور ایجاد می‌کرد.

فعالیت و اقدامات نیروهای داخل و خارج کشور برای پایان دادن به این تبعید غیرقانونی، حتی به مجامع بین‌المللی کشیده شد و آن‌ها نسبت به این اوضاع حساس شدند. بنابراین، شخصیت‌های بین‌المللی و اتحادیه‌های دانشجویی خارج از کشور با ارسال نامه و تلگراف به سازمان‌های بین‌المللی، از جمله «سازمان حقوق بشر»، «سازمان عفو بین‌الملل» و شخص دبیرکل سازمان ملل،





آقای **اوتانت**، به وضعیت نامطلوب حقوق زندانیان کشور و به‌ویژه تبعید امام اعتراض کردند. حتی دبیرکل سازمان ملل نامه‌ای برای دولت ایران نوشت و از آن درباره‌ی این اقدامات پاسخ قانع‌کننده خواست.

نامه‌ی دبیرکل سازمان ملل به وزارت خارجه‌ی ایران هرچند بی‌گیری نشد، ولی در نقشه‌ی رژیم در مورد امام و محل تبعید او تأثیر بسیاری داشت. حمید روحانی در کتاب «نهضت امام خمینی» معتقد است که انگیزه‌ی اصلی تغییر محل تبعید امام از طرف رژیم ایران همین نامه بود.

در داخل کشور ترکیه نیز مقالاتی انتقادی نسبت به اقدام دولت ترکیه منتشر شد و دولت لائیک ترکیه تحت فشار نیروهای اسلامی (علوی) این کشور قرار گرفت. سرانجام هم با ارسال پیامی به دولت ایران، خواستند که امام را از آن کشور منتقل کنند [فلاحی، ۱۳۸۵: ۱۳۵ سند شماره‌ی ۸۲۷ و ۸۲۶].

آیت‌الله پسندیده می‌گوید: در نتیجه‌ی این عوامل، محمدرضا شاه با دکتر پیراسته مشورت می‌کند. دکتر پیراسته سفیر ایران در عراق بود. شاه از او می‌پرسد اعزام ایشان (امام) به نجف صلاح است یا خیر. دکتر پیراسته که فردی با فهم و فراست بود، به شاه می‌گوید: اگر امام به نجف برود، به دهن شیر خواهد افتاد. با وجود آقای حکیم، ایشان به اندازه‌ی یک طلبه بیشتر نمی‌تواند کاری بکند.

حمید انصاری می‌گوید: «تصور رژیم شاه از این که فضای ساکت و سیاست‌ستیزی آن ایام در حوزه‌ی نجف و وضعیت رژیم حاکم بر بغداد، خود مانعی بزرگ برای محدود نمودن فعالیت‌های امام خمینی خواهد بود» [انصاری، ۱۳۸۶: ۶۸].

بنابراین، دولت وانمود کرد که اوضاع داخلی آرام شده و زمینه برای اصلاحات آماده است و برای رهایی از فشار افکار عمومی و جلوگیری از شعله‌ور شدن مبارزات، امام را طی یک نقشه‌ی کاملاً حساب‌شده، روز ۱۳ مهرماه ۱۳۴۴ به کشور عراق تبعید کرد.

### درس‌های اخلاقی از دوران تبعید امام به ترکیه

۱. در تمام استاد و مدارک دوران حبس و تبعید امام، سترگی روحیه، بزرگ‌منشی و بی‌توجهی امام به رنج‌هایی که در مسیر نهضت و قیام الهی خویش متحمل شده، کاملاً هویداست. در ادبیات امام کمترین گلایه‌ای از شرایط پدید آمده برای شخص خویش به چشم نمی‌خورد، بلکه برعکس، همواره بر خوبی اوضاع و رضایتمندی خویش از شرایط پدید آمده، تأکید می‌ورزد. در نامه‌ای، امام به فرزندش حاج مصطفی می‌نویسد: «از جهت من به هیچ‌وجه نگران نباشید. هم حال خوب است و هم جایم.»

۲. نکته‌ی مهم دیگری که ناشی از آرامش عمیق روحی امام است، شکرگزاری در همه حال و تکلیف‌گرایی و رضایتمندی نسبت به تقدیر الهی است. مانند این نامه‌ی امام به حاج مصطفی که: «...از قم وارد آنکارا شدم، الله الشکر حال خوب است. شماها نگران نباشید. آن‌چه از طرف خداوند تعالی مقدر شده، جمیل است.»

۳. نکته‌ی اخلاقی آموزنده‌ی بسیار مهم دیگری که در نامه‌های ارسالی امام خمینی از تبعیدگاه ترکیه به چشم می‌خورد، روابط عالی اخلاقی و انسانی با ذوی الحقوق، فرزندان، همسر، برادران و سایر منسوبین است. امام خمینی خطاب به حاج مصطفی می‌نویسد: «نور چشم محترم... اگر شما رضایت من و خدای توانا را می‌خواهید، باید با تمام بستگان خصوصاً مادر، خصوصاً مادر، خصوصاً مادر، مهربانی و خوشرفتاری کنید و رضای آن‌ها را به‌دست بیاورید.»

۴. نکته‌ی مهم در نامه‌های امام خمینی در دوران تبعید به ترکیه، اهتمام ایشان به استمرار فعالیت‌های علمی و فقهی است. جالب آن‌که شاهکار مکتب فقهی امام خمینی، یعنی کتاب «تحریرالوسیله» در همین دوران و در کنج غربت و تنهایی در تبعیدگاه ترکیه تألیف شده است [سیر مبارزات...، ۱۳۸۶، ج ۵: ۱۰۲].

### نتیجه‌گیری

دوران تبعید امام به ترکیه یکی از مراحل مهم انقلاب اسلامی بود. رژیم پهلوی بعد از آن که نتوانست جلوی مبارزات امام خمینی را بگیرد، با توجه به تجربه‌ی قیام ۱۵ خرداد تصمیم گرفت که امام را از ایران دور کند. حوادث این دوران نشان می‌دهد که رژیم پهلوی نه تنها به خواسته‌های خود نرسید، بلکه امام در این دوران یازده ماهه توانست به اقدامات مهمی، از جمله نوشتن کتاب تحریرالوسیله دست بزند. هم‌چنین امام در این دوران روحیه‌ای بسیار عالی برای ادامه‌ی مبارزه از خود نشان داد. رژیم پهلوی بعد از آن که نتوانست نهضت را در داخل سرکوب کند و روحیه‌ی امام را از بین ببرد، تصمیم گرفت که ایشان را به عراق تبعید کند.

### منبع

۱. آشوری، ذریوش. دانش‌نامه‌ی سیاسی، انتشارات مروارید، تهران، چاپ ششم، ۱۳۸۰.
۲. فزانی، عبدالوهاب. تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۳. پسندیده، خاطرات آیت‌الله پسندیده، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی و نشر عروج، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۴. رجعی، محمدحسن. زندگی‌نامه‌ی سیاسی امام خمینی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
۵. سیر مبارزات امام خمینی در تبعید، اسناد به‌روایت، ساواک، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۶. فلاحی، اکبر. سال‌هایی بعد از امام خمینی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۷. روحانی، سیدحمید. نهضت امام خمینی (ع.ج)، نشر عروج، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۱.
۸. انصاری، حمید. حدیث بشاری، مؤسسه‌ی سلطنت و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ بی‌د، ۱۳۸۶.
۹. انصاری، حمید. «ار امام بی‌موزیم»، فصل‌نامه‌ی حضور، شماره‌ی ۵۸.
۱۰. مطهری، خرم‌آبادی، خاطرات، ج ۱، به کوشش رضا احمدی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۱. امام خمینی، صحیفه‌ی نور، ج ۱، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱.